



تحدی قرآن؛ گذری بر الهی بودن قرآن / مصطفی احمدی

قرآن کریم بیش از چهارده قرن پیش به عنوان معجزه‌ای جاوید و بی‌بدیل بر قلب مطهر پیامبر امین - صلی‌الله‌علیه و سلم - نازل شد. قرآن کریم از همان آغاز، انسان‌ها را به آوردن متنی همانند خود به مبارزه طلبید. با وجود تلاش‌های فراوان دشمنان و آگاهی آنان از این دعوت، هیچ‌کس در طول تاریخ نتوانسته حتی سوره‌ای همانند قرآن بیاورد.

برهان تحدی:

این برهان به اختصار چنین است:

۱- اگر قرآن ساخته بشر بود، دیگران نیز می‌توانستند همانند آن را بیاورند.

۲- اما هیچ‌کس در طول تاریخ قادر به این کار نشده و نخواهد شد.

۳- پس قرآن سخنی الهی و معجزه‌ای آشکار است.

ویژگی‌های مهم قرآن مانند جامعیت در بیان عقاید، اخلاق و قوانین فردی و اجتماعی، نبود تناقض در محتوا، و ارائه آن از سوی پیامبری امی و ناخوان همه نشان می‌دهد که با کلام بشر روبه‌رو نیستیم. بنابراین کسی که در پی مبارزه و تحدی با قرآن است، بایستی همه این ویژگی‌ها را رعایت نماید. یعنی کلامی بیاورد که صفات برجسته معنوی قرآن را به همراه فصاحت و بلاغت لفظی آن داشته باشد.

حال پرسش این است که قرآن چه معجزه‌ای را در خود گنجانده است که آن را بی‌همتا کرده است؟!

پیش از نزول قرآن، تنها دو قالب ادبی در میان عرب رواج داشت: شعر و نثر. اما قرآن قالبی کاملاً تازه عرضه کرد؛ سبکی که نه شعر بود و نه نثر، بلکه نظامی ویژه و بی‌مانند بود.

قرآن نه تنها واژگان شناخته‌شده را به کار گرفت، بلکه شیوه‌ای نوین را نیز ایجاد کرد. از جمله نوآوری‌های قرآن می‌توان به امور زیر اشاره کرد:

۱- نوآوری در ترکیب‌ها: ترکیب‌هایی مانند «الرحمن الرحیم» یا «مالک یوم الدین»، هرچند برای اعراب آشنا بود، اما پیش از قرآن هیچ‌گاه در این قالب و معنا استفاده نشده بودند.

۲- نوآوری در واژگان: بسیاری از واژه‌ها و مشتقات تازه مانند «التقوی، الشکور و العالمین» برای نخستین بار در قرآن به کار رفتند.

برخی از کلمات نیز با وجود آنکه از گذشته معنا داشتند، اما در قرآن معنایی تازه پیدا کردند: مانند واژه مرض که در معنای جسمانی به کار می‌رفت، ولی قرآن آن را در معنای روحی و اخلاقی به کار برد: فی قلوبهم مرض.

۳- وضوح و بلاغت: قرآن میان سادگی و عمق معنا جمع کرد؛ کلامی که هم برای عوام قابل فهم بود و هم بزرگان بلاغت عرب را به شگفتی واداشت.

۴- تأثیر ماندگار: قرآن کریم سبکی پدید آورد که قرن‌هاست ذهن‌ها را مشغول خود کرده است.

بسیار مضحک است که برخی برای مبارزه با قرآن، کلماتی بی‌معنا و بی‌روح را کنار هم می‌چینند و گمان می‌کنند هم‌اوردی کرده‌اند!!! درست مانند کسی که چند واژه را در متن شخصی تغییر بدهد و خود را هم‌سطح او بداند.

بنابراین ارائه یک متن هر چند هم که فصیح باشد، معارضة با قرآن و پاسخ به تحدی آن محسوب نمی‌شود. چرا که قرآن ژرف‌ترین و مهمترین پیام‌های اخلاقی و تربیتی را در خود گنجانده است. از همه شگفت‌انگیزتر آنکه طی دوران چهل ساله پیش از نبوت، حتی جمله‌ای از این قبیل جملات بر زبان رسول اکرم - صلی‌الله‌علیه و سلم - جاری نشده است. همچنین معارف عرضه شده توسط ایشان به عنوان وحی الهی، دارای اسلوبی ویژه و هماهنگی و نظم خاصی است که آن را از دیگر سخنان ایشان کاملاً متمایز می‌سازد. بر این اساس ایجاد چنین اثری با این اوصاف به دست فردی ناخوان ناممکن است و جز به قدرت و اراده الهی شدنی نیست.

منابع:

۱- النبأ العظیم؛ محمد عبدالله دراز

۲- اعجاز قرآن با گرایش شبهه پژوهی؛ محمدعلی محمدی

۳- انسان‌شناسی؛ صفدر الهی راد

شاید وقتی به وضع جوامع اسلامی نگاه کنیم و فقر، جنگ، اختلاف و عقب‌ماندگی را ببینیم، این پرسش به ذهن برسد که: «آیا اسلام عامل این وضع است؟»

در پاسخ به این سوال باید گفت: نه تنها اسلام، بلکه هیچ دینی که از جانب خداوند آمده باشد، مانع پیشرفت انسان نیست، چرا که خداوند دین را برای پیشرفت بشر فرستاده است و نه عقب ماندگی آن. البته تا زمانی که آن دین توسط پیروانش دچار خرافات نشده باشد. آنچه در اروپای قرون وسطا مانع پیشرفت شد، خرافات کلیسا بود، نه اصل دین. در تاریخ اسلام نیز چنین بوده است؛ تاریخ نشان می‌دهد هرگاه مسلمانان به اسلام عمل کردند، تمدنی درخشان پدید آمد. در قرون میانه، بغداد، اندلس و بخارا مراکز علم و صنعت و فلسفه بودند و مسلمانان در پزشکی، ریاضی، نجوم، معماری و ادبیات سرآمد جهان بودند؛ به گونه‌ای که غربی‌ها بسیاری از علوم خود را از همین تمدن اسلامی گرفتند.

این صرفاً یک ادعا نیست، بلکه هر انسان واقف بر تاریخ به خوبی این مسئله را درک می‌کند و به آن آگاهی دارد. اما وقتی مسلمانان گرفتار دنیاپرستی، اختلاف داخلی و حکومت‌های فاسد شدند، مسیر سقوط آغاز شد. بیگانگان نیز از این فرصت استفاده کردند و با استعمار، ملت‌های اسلامی را در فقر و ضعف نگه داشتند.

در کل می‌توان مهمترین عوامل عقب‌ماندگی مسلمانان را اینگونه برشمرد:

۱. فاصله گرفتن از روح حقیقی اسلام و گرفتار شدن در سستی، رفاه‌طلبی و دنیاپرستی به جای علم آموزی و پیشرفت.
۲. فساد و استبداد سیاسی که انرژی ملت‌ها را صرف حفظ قدرت حاکمان کرد، نه رشد علمی و اجتماعی.

۳. استعمار و دخالت خارجی؛ استعمارگران منابع سرزمین‌های اسلامی را غارت کردند و با ایجاد وابستگی، مانع شکوفایی آنان شدند.

۴. تفرقه و نزاع‌های داخلی؛ به جای اتحاد و همبستگی اسلامی، مسلمانان درگیر جنگ‌ها و شعارهای قومی و ملی گرایانه شدند.

اما چرا غرب پیشرفت کرد؟

پیشرفت غرب به خاطر «بی‌دینی» نبود. آنان وقتی از خرافات کلیسا فاصله گرفتند و با علوم اسلامی آشنا شدند، راه رنسانس و نوزایی را در پیش گرفتند. عوامل مهم پیشرفت غرب چنین بود:

۱. انتقال دانش مسلمانان از طریق اندلس و جنگ‌های صلیبی؛

۲. نهضت رنسانس و شکستن حصار جهل کلیسا؛

۳. ایجاد نهادهای تازه در سیاست و اقتصاد؛

۴. استعمار و غارت ملت‌های دیگر و بهره‌برداری از منابع آنان.

اما باید توجه کرد که پیشرفت غرب، تنها در صنعت و تکنولوژی بوده و در عرصه اخلاق و انسانیت بحران‌های بزرگی آفرید. نتیجه آن شد که با وجود قدرت صنعتی، جهان شاهد دو جنگ جهانی، بمب اتم، استعمار ملت‌ها و فجایع انسانی شد. از طرفی، بنیان خانواده در جهان غرب از هم پاشید و با وجود پیشرفت‌های صنعتی که داشته است نتوانسته آرامش را برای خود و بشریت به ارمغان آورد. موهبتی که اسلام و دین، آن را به پیروانش ارزانی داشته است.

بنابراین، اگر مسلمانان به روح اولیه اسلام بازگردند و از تجربه‌های گذشته درس بگیرند، می‌توانند بار دیگر تمدنی پویا و پیشرفته بنا کنند.

منشأ قانون / محمد فرهادی

قانون از کجا آمده است؟ سرچشمه‌ی قانون امری آسمانی است یا زمینی؟ چه کسی قانون‌گذار است و حق وضع و اجرای قانون را دارد؟ در طول تاریخ بشریت، هیچ‌وقت انسان در هیچ تمدنی بی‌قانون نبوده است. از زمانی که انسان، انسان بوده و بر روی کره خاکی زندگی را آغاز کرده است، همواره به نحوی از انحاء صاحب قانون بوده و زندگی خویش را از این طریق تنظیم و توجیه کرده است. قانون بخشی جداناپذیر از زندگی انسان بوده است. به عبارت دیگر، انسان‌ها پیش از جهان مدرن نیز در یک اجتماع

زندگی می‌کردند و تنها نبوده‌اند؛ قانون داشته و در صلح و امنیت، نظام اجتماعی خود را غایت‌مند کرده‌اند. (پرسشی که ذهن سوژه را درگیر می‌کند این است که منشأ این قانون چیست و کیست؟ این قانون از کجا می‌آید؟ آیا امثال حمورابی، سولون و دیگران این قوانین را وضع کرده‌اند یا صرفاً آن‌ها کاشف این قانونند؟ آیا منشأ قانون آسمان است یا زمین؟ به نظر می‌آید تفسیر شایع از نظریه قرارداد اجتماعی این است که قانون باید محصول اراده جمعی انسان‌ها باشد. چنین تصور می‌شود

که اخلاق، مذهب، دین، زبان، نوشتار، پول و ابزار، باید توسط کسی به صورت ارادی ساخته شده باشد. این رویکرد کامل‌ترین صورت خود را در تصور تشکیل جامعه از طریق یک قرارداد اجتماعی نزد امثال هابز و روسو پیدا می‌کند.)

فریدریش فون هایک، قانون و قانون‌گذاری و آزادی، مهشید معیدی و موسی نخسنژاد، ص ۳۱.

اما متقدمان، قانون را هرگز ساخته عقل بشر نمی‌دانستند؛ حتی خود سوفیست‌ها که نقطه آغاز قرارداد اجتماعی را می‌توان در آثارشان

بازیافت - چنان‌که بزرگ ایشان، پروتاگوراس، گفته بود: «انسان معیار همه چیز است» - هنوز قائل به این نبودند که آدمی با اراده خود بر جهان مستولی شده، قانون وضع کند و به روابط آدمیان نظم بخشد. در جهان پیشامدرن، هرگز اندیشه‌ی قانون و قانون‌گذاری بدین معنا مطرح نبوده است. متقدمان، قانون را اعم از قانون طبیعی یا قانون به معنای قاعده رفتار و کردار مستقل از اراده انسان و عقل خودبنیاد او می‌دانستند.

کتاب سیاست، تفکر تاریخ، اردکانی. نزد متقدمان، انسان به مدینه و اجتماع تعلق داشت؛ یعنی انسان و پولیس یکی بودند و از هم جدایی‌ناپذیر. اما در جهان مدرن، انسان از جهان و طبیعت بیگانه می‌شود و از آن جدا می‌گردد. به عبارتی، جهان و انسان به دو جوهر از هم بیگانه بدل می‌شوند و هیچ نسبتی با یکدیگر ندارند. انسان در جهان متجدد و جدید از آزادی و اراده مستقل برخوردار است. این اراده در ذات او نهفته است و بر اساس همین اراده، جهان را به تسخیر خویش درمی‌آورد. بر مبنای امیال خویش در آن دخل و تصرف خواهد کرد؛ تسخیری که تنها از طریق علم جدید و مدرنی امکان‌پذیر شد که بیکن آن را ابزاری برای قدرت و سیطره بر عالم وصف کرده بود.

نسبت جهان و انسان در این دستگاه فکری، نسبت غلبه و تسخیر جهان توسط انسان است. انسان صرفاً جهان را ابزاری برای رسیدن به خواسته‌های خویش می‌داند، نه چیزی دیگر. این امر در فلسفه کانت بیش‌تر جلوه پیدا می‌کند. او در نقد عقل محض بیان می‌کند که انسان هیچ‌گاه نمی‌تواند «جهان خارج» را بشناسد؛ جهات واقعی و خارجی متعلق آگاهی انسان نیستند و صرفاً می‌توان گفت «هستند»، هرچند چپستی این هستی غیرقابل دسترس باقی بماند. فاصله میان انسان و جهان در ایدئالیسم کانتی بیش‌تر می‌شود و در فلسفه هگل به اوج خود می‌رسد.

کانت نیز، در عین حال، به دنبال تسخیر جهان بود. او علم را ناشی از اطلاق مقولات فاهمه بر جهان خارجی دانست. از این طریق، راهی برای تسخیر جهان به دست آورد تا بتواند به کمک علم این سلطه را عملی و عینی کند. به عبارت دیگر، انسان هرچند با جهان خارجی بیگانه است، اما از طریق صورت‌های فاهمه می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند و در نتیجه به آن دست یابد؛ و بدین صورت بر جهان خارجی سلطه پیدا کند.

کانت بر دوگانگی انسان و طبیعت تأکید بسیار داشت. نه تنها او، بلکه جهان‌بینی و روح حاکم بر جهان غرب مدرن مستلزم چنین تصوراتی بود که انسان فارغ و جدا از طبیعت است و با اراده خود می‌تواند بر آن سلطه یابد و آن را به تسخیر درآورد. بر این اساس، چنین امری نشانه ظهور بشر جدید و سوژه‌ی متجدد است؛ انسانی که از درون دایره ذهنی خویش می‌خواهد جهان را بسازد. انسان واضع قانون می‌شود و در این جهان جدید، بشر قانون‌گذار «همه‌کاره» خواهد بود. از این‌رو، تنها در جهان مدرن است که انسان مدعی قانون‌گذاری می‌شود؛ به عبارتی، انسان سرمنشأ قانون را در جهان مدرن خود، «اولاً و بالذات»، می‌داند.

در حالی که در جهان پیشامدرن، هیچ‌کس چنین ادعایی نداشت؛ قانون‌گذاری را حق مسلم خود نمی‌دانستند. باید توجه داشت که «مدعی قانون‌گذاری بودن» و «داعیه قانون‌گذاری داشتن» با «قانون‌گذاری صرف» دو امر کاملاً متفاوت و جدا هستند. در جهان مدرن، انسان مدعی و صاحب انگیزه قانون‌گذاری است؛ بشری که می‌خواهد جهان جدید را بسازد. شرایط هستی‌شناسانه و معرفت‌شناختی نوع نگاه انسان به جهان، در قیاس با جهان پیشامدرن، کاملاً متفاوت است.

عصر قانون‌گذاری آنگاه آغاز می‌شود

که :

۱. نخست، افرادی مانند روسو امکان بی‌اعتبار شدن همه قوانین گذشته را مطرح می‌کنند؛

۲. دوم، آدمی همان‌طور که بیان شد، قانون‌گذاری را حق مسلم خود می‌داند و خویشتن را ملاک و میزان حق و قانون به‌شمار می‌آورد.

بنابراین روشن می‌شود که نوع نگاه انسان در جهان مدرن و موقعیت بشر جدید چگونه به داعیه وضع قانون انجامید. انسان مدرن خود را قانون‌گذار بلامنازع جهان و سوژه‌ای می‌بیند که حق دارد جهان را به میل خویش بسازد.

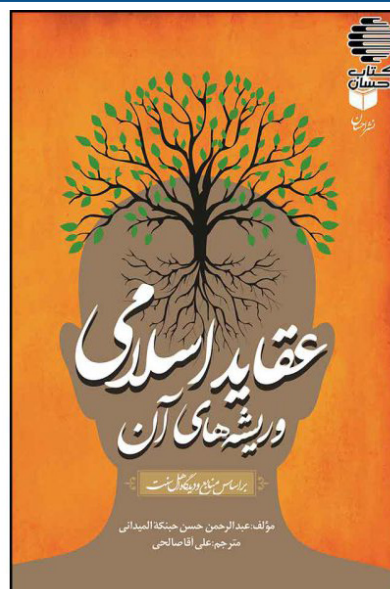
در حالی که حتی در دوران خود پریکلس - که اوج پدیدار شدن مفهوم دموکراسی بود - انسان چنین ادعایی نداشت. البته بی‌تردید در این دوران، سنت‌های گذشته نادیده گرفته شد و ارزش‌های جدیدی سر برآورد؛ اما اینکه گفته شود انسان یونان داعیه قانون‌گذاری محض داشته است، نادرست بوده و اثبات این امر دشوار به نظر می‌رسد.

انگیزه قانون‌گذاری صرف تنها زمانی رخ داد که نظم جهان‌بینی جدید، نسبت رابطه انسان و جهان را به کلی تغییر و دگرگون ساخت. در واقع، انسان معیار و ملاک بلامنازع ساخت جهانی شد با اصول و قوانینی کاملاً این‌جهانی، زمینی و مادی‌گرایانه. در این نظم، جای خدایان و امر قدسی و خداوند متعال از حیات بشری حذف می‌شود و اساساً امر غیرمادی هیچ نمودی در زیست انسان ندارد.

میانجی در جهان مدرن، انسان است که به‌منزله منشأ قانون و ملاک و معیار قانون‌گذاری قرار می‌گیرد. قوانین را اجتماع انسان‌ها در قالب قرارداد اجتماعی و بر مبنای خواسته‌ها و نیازهای بشری وضع می‌کنند. بر این اساس، در عالم جدید، عقل انسان مدعی قانون‌گذاری صرف می‌شود.

مشخصات کتاب

نام کتاب: عقاید اسلامی و ریشه‌های آن
نویسنده: عبدالرحمن حسن حبنکه المیدانی
مترجم: علی آقاصالحی
ناشر: احسان
تعداد صفحات: ۷۳۶



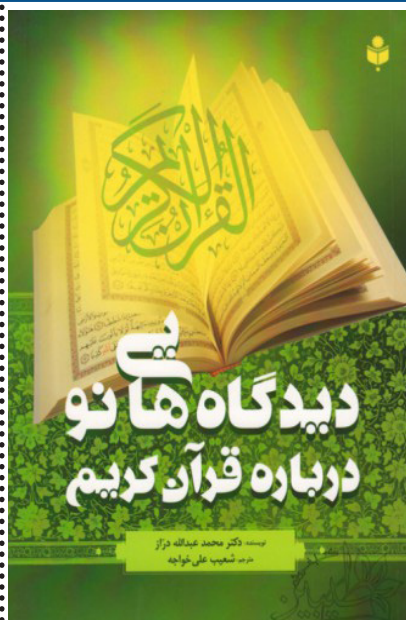
از آنجایی که عقیده اسلامی، عقیده ای حق می‌باشد شایسته است بر اندیشه انسانی عرضه شود تا برای همه مردم، اولین پایه اصلاحی قرار گیرد. عقیده سالم، هر گاه در درون انسان نفوذ یابد، رفتارش را در زندگی پایدار می‌کند و هرگاه بر جامعه‌ی انسانی سایه اندازد نظم و انضباط همگانی می‌دهد و همه را به سوی بالاترین نقطه‌ی تکامل و ترقی انسانی می‌کشاند. در این کتاب عقیده و مبادی اسلامی و اهداف آن در پرتو قرآن و سنت به شیوه ای توضیح داده شده که برای همه انسان‌ها قابل فهم باشد و با دقت نظر و تأمل بیشتر، بتواند در راستای اهداف بشری مورد استفاده قرار گیرد.

این کتاب از نه باب و هر باب از چند فصل تشکیل شده است. نویسنده در این کتاب مباحثی همچون «اهمیت عقیده، اسلام و ایمان، اسماء و صفات خداوند، ایمان به فرشتگان، ایمان به پیامبران و رستاخیز، را مطرح کرده است.

همچنین در فصل هفتم دلایل انحراف اعتقادی را تشریح کرده است و در باب هشتم پیرامون آنچه که انسان را به گردونه‌ی کفر و الحاد می‌کشاند توضیح داده است. و در باب نهم پیرامون ایمان به قضا و قدر مسائلی را توضیح داده است.

مشخصات کتاب

نام کتاب: دیدگاه‌هایی نو درباره قرآن کریم
نویسنده: محمد عبدالله دراز
مترجم: شعیب علی خواجه
ناشر: احسان
تعداد صفحات: ۳۰۸



اگر میراث گرانقدر اسلامی را بررسی کنیم، می‌بینیم از ابتدای نزول قرآن تا به

امروز، مسأله و حیانی بودن قرآن کریم همواره مورد تأکید دینداران بوده و آنان، فقط خداوند را منبع وحی دانسته‌اند. اما منکران نبوت، آن را بافته‌های ذهنی پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - و یا القائات دیگران دانسته و حتی برخی از اندیشمندان به ظاهر مسلمان معاصر نیز پدیده وحی را تجربه نبوی یا تجربه دینی دانسته و همواره شبهاتی را علیه متن قرآن مطرح می‌نمایند تا آن را بشری جلوه دهند.

به عبارتی دیگر مخالفان عصر رسالت، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را به سحر، دروغ و اسطوره‌گرایی متهم می‌کردند و در این دوره نیز خاورشناسان و پیروان شان ادعا دارند که قرآن مجید، لفظ و سخن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است.

روشن است تمامی این ادعاها و گفته‌های مخالفان قرآن کریم برداشت‌هایی شخصی با دلیل‌هایی سست و بی‌پایه است، زیرا شواهد تاریخی و آیات قرآن بیانگر آن است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تابع وحی بوده و وحی تجربه‌ی پیامبر نیست.

ترجمه حاضر «النبأ العظيم» یکی از تألیفات استاد محمد عبدالله دراز است که در آن با طرح موضوعاتی همچون هماهنگی آیات، اعجاز بیانی قرآن، بلاغت و فصاحت قرآن و... الهی بودن قرآن را اثبات کرده، به گونه‌ای که دلیلی قوی علیه منکران وحی است.

استاد دراز در این کتاب اثبات نموده که امکان ندارد برای قرآن مصدري غير از الله متعال وجود داشته باشد.

آشنایی با اهداف گاهنامه «باور ما»



جهت دانلود فایل صوتی مطالب «باور ما»
 کد QR را اسکن کنید.

- * اهمیت ایمان به خداوند و قرآن؛
- * پاسخ به شبهات عقل‌گرایان و ملحدین؛
- * اثبات حجیت حدیث؛
- * شناخت خاورشناسان و اهدافشان؛
- * تاریخ طلایی اسلام و دانشمندان مسلمان؛
- * واکاوی تمدن غرب؛
- * تاریخ ایران قبل از اسلام و بعد از آن؛
- و

«باور ما» می‌خواهد با استنادات و ارجاعات علمی، به دور از هرگونه تعصب و با انگیزه‌ی پرده‌برداری از حقیقت و ازاله‌ی شبهه‌ی شبه‌افکنان، گامی مستحکم در راستای القای اعتماد به نفس قوی به نسل جدید، بردارد، باشد که جوانان مسلمان با در دست داشتن دلیل و برهان، نه تنها به اسلام خویش افتخار نمایند، بلکه به تبلیغ و انتشار آن مبادرت ورزند. برای رسیدن به این هدف بلند، هیئت تحریریه گاه نوشت «باور ما» مطالب خود را در موضوعات ذیل ارائه می‌کنند: